

خداکنه کار آدم به اینجور جاها بیفته

شرح نو: سارا نامجو | مثل همیشه پنجشنبه‌ها روز تعطیلیش بود. با یکی از دوستان قرار گذاشت تا در کافه همیشه‌ی که به پدرباش بود این اولین بار بود که با دوستش در آن کافه قرار می‌گذاشت. آن روز دیر از خواب بیدار شد بنابراین مجبور شد از آنسای سرکوجه بخواهد بایش ماشین پرفرمتد. لباس‌هایش را به سرعت پوشید و آمد کنار در ایستاد. راننده آنسای بوق زد و رفت داخل ماشین نشست. به راننده گفت: کمی عجله دارم.

در صورت امکان از اتوبان شواب بروید. راننده با خوشرویی گفت: به چشمم هنوز وارد خیابان اصلی نشده بودید که راننده گازش را گرفت. همین یک لحظه کافی بود. عادت داشت که همیشه بعد از سوار شدن کمر بندش را ببندد. با سحر خورد به این شیشه ماشین شیشه خرد شد. فقیه از این قرار بود که راننده پاره ۴۰۵ در داخل فرعی که به خاطر پارک کردن کامیون دید کافی نداشت به ماشین برخورد کرد. پاره آسبب چندانید این اما ماشین راننده آنسای (که پراید بوده) آسبب سختی دید. راننده سراسیمه از ماشین پرید بیرون و بعد از چند لحظه متوجه شد سر مسافرش شیشه ماشین را خرد کرده است. راننده پاره پاره پاره بودند کاملاً واضح بود با حالی ملنگاری به راننده آنسای گفت: آخوی چیکا می‌کنی؟ این چه وضعی است؟ راننده آنسای هم که کاملاً ترسیده بود گفت: همین مسرور صحت مترمزه‌ها را چوید تازه بودم اما ترم عمل نکرد نمی‌دانم. متاسفم. کافه همه متوجه مسافر و شیشه شدند. یکی یکی آمدند و گفتند: خدا رحم کرد. الان حالت چطوره؟ آسبب که عجله داشت دوست نداشت فرارش را از دست ندهد. به راننده گفت: میشه به آنسای تمایم بگیریم به ماشین دیگه فرستیم؟ راننده گفت: چشم. ماشین دیگری آمد و مسافر با خود برد. سر ساعت معهود به کافه رسید. گفتگو با دوستش به طول انجامید. حدود ۴ ساعت در پان از او خداحافظی کرد و خواست سوار اتوبوس شود. دنیا جلوی چشمش سیاه شد. عرق سرد بر جبینش نشست و جالش را درگروگن کرد. با صاحب (که از پاپاتزی‌ها باجفای‌های عالم است) رفتند به قسمت اوبریزه. خیلی به اشتباه همان می‌کرد اوزرانی جایی است که موارد اضطراری



عکس: سید سعید میرمیر

و تصادفات را به‌سرعت در آنجا بگیریم می‌کنند (آمد). انتظارش برای آمدن دکتر طولانی شد. کافه بودم اما ترم عمل نکرد نمی‌دانم. متاسفم. ۴۵ دقیقه بعد دکتر، حامد به یکی از پرستاران گفت: دکتر چرا نمی‌آید؟ پرستار در جواب گفته بود: اگر حال بیمار خطرناک باشد دکتر خودش می‌رسون. در حال حاضر آقای دکتر دستنویس گیره عمل جراحیه. حالا هم که حال بیمار شما خراب‌تره خیلی بی نیست. (سوال ایستاد که اگر جابج برسانم توانایی تشخیص خونریزی داخلی و سایر موارد را دارند. دیگر چه حاجتی به هزینه‌های آنجانی برای گرفتن «اسی‌تی‌اسکن»، «ارادبولسوزی» و سایر موارد است). دکتر آمد و بعد از چکاپ او و اجپارش به راننده رفتن در چنین مواردی که امکان ضربه سخت به سر وجود دارد، معمولاً برای اطمینان از ضربه نخوردن به مخچه چنین اقداماتی انجام می‌شود (که آزمایش «اسی‌تی‌اسکن» تجویز

کرد. بیمارستان «دارالتوحید» از چنین امکانی برخوردار نبود، بنابراین او را به بیمارستان دیگری ارجاع دادند. در دستگاه «سیداشهد» واقع در خیابان ۱۵ خرداد آقای جود که باید برای انجام اس‌تی‌اسکن، به آن جا می‌رفتند. با همسرش وارد بیمارستان شد. دکتر در همیندهن خیر تصادفی مثل اسبند روی آنتی می‌مست. بعد از پیدا کردن محلی که باید آزمایش را می‌گرفتند، روی صندلی نشست. همسرش جلوفت و دفتر چه را تحویل داد. منشی بیمارستان بعد از دقایقی رو نماز کردن نسخه و کتنن آن را دفترچه گفت: ما نمی‌توانیم از ایشان «اسی‌تی‌اسکن» بگیریم. همسرش با ناراحتی پرسید: آخه چرا؟ منشی گفت: این نسخه مهر داره و این یعنی بکار ازش عکس گرفته شده بنابراین ما نمی‌تونیم اینو از شما قبول کنیم. همسر گفت: یعنی چی؟ خود «دارالتوحید» ما رو به آن جا معرفی کرده این اولین جاییه که می‌ایم. منشی

امروز یا مولانا
چون گویم دل بردی چون عین دل مای
بر خفته دلان بر دم افکاس مسجایی
در نور تو کم کرده شوق بر آرای

یک خبر یک نگاه

باز هم افزایش قیمت؟!

رئیس سازمان ملی استاندارد از بازنگری استاندارد خودرو بر وجه داده است. او بیان این که استاندارد ۵۲ گانه تولید خودرو بازنگری می‌شود. گفت: استاندارد به معنی کسب حداقل کیفیت است و بالا رفتن کیفیت علاوه بر آن که ویژگی استاندارد است، به نفع تولیدکننده و مصرف‌کننده خواهد بود. البته در پیروزیخت و در حاشیه مراسم افتتاح نمایشگاه دستاوردها و توانمندی‌های سازمان ملی استاندارد ایران در رابطه با بحث استاندارد خودرو، افزود: در این زمینه ابتدا باید تعریف استاندارد و کیفیت قابل قبول و قابل سنجش استاندارد و کیفیت قابل قبول را رعایت کند. استاندارد را در بافت کرده است. نکته‌هایی که رئیس سازمان ملی استاندارد در این خیر اشاره کرده، موضوع افزایش قیمت است که گویا قرار است به هر بهایی در برهه آن

برش

امتحان کن ببین!

این تست را با چشم پریم
نگاه کنیم یعنی با بهنگامی
تعمیر و -حرف زن با
دکلان بار عرب، حتی عربی
که عرب نبود - چون عرب
یعنی: گلشنی که در گلشن
صباح تا غمشختخت
چیزهایی بود که در من
حساب نمی‌آمد ابراهیم آقا
یک روز از من پرسیدند:
مومو، تو چرا هجرت نمی‌کنی؟ این سوال
مثل یک مشت محکم بود: نمی‌صورت من
یکی از شره‌های نابکار هیچ انتظارش
را نداشتیم. خدیندین سال بولداری، ابراهیم
آقا از عهده من بر نمی‌آید، به‌معد شروع کرد
خدیندین، لگاری برای لاجری، سامن او پس تو
خیال می‌کنی من بولداری؟ من شما مخلوقن
همیشه بر سگانه من هیچ کسی رو ندیدم که



وقتی حقیقت دارای چنین تعریفی باشد قابل یافتن نزدیک نفر نیست. بنابراین با این رویکرد ضرورت نقد مشخص می‌شود.
نقد این است که گویند ادعایی را درباره حقیقت سنجی، از بعد روش‌شناختی یا معرفت‌شناختی و از بعد اکتسابی یا واقعیت‌مورد چون و چرا قرار دادیم. همین و چرا کردن ما در مورد آن ادعایی می‌تواند زمینه را برای نزدیک شدن به حقیقت فراهم کند.
چنانچه نقد را پس نباریم، معرفت ما به‌طور بی‌وسه گسترش پیدا می‌کند و رشد و توسعه پیدا خواهد کرد. هر نقدی می‌تواند یابی از ابواب حقیقت را افتتاح کند، البته اینها با اصول و ضوابط نقد به معنای واقعی کلمه بیان شوند.
مسئله کالی‌گرافی در این باره است: تقریبی که از گذشته جاری و ساری بوده و حقیقت را نزدیک نفر می‌داند، سرافه با اکتار یک ادعا برداریم. این کار از کوچکترین منطبق علمی هم استفاده نمی‌کند. بنابراین سرور چنین رفتارهایی را نمی‌توان به حساب نقد گذاشت. چنین رفتاری بواقع تخریب را به همراه دارد و سلب دانش و گسترش مرزهای این هر دو منافع دارد.
من به‌عنوان کسی که در حوزه جامعه‌شناسی ادعایی دارم می‌توانم یک زاویه خاص، یا رویکردی ویژه و روشی خاص، یا راه‌یابی که از دیدگاه ما و ادعاهای برداریم.
در مقابل این نگاه، شاهد نوع برخورد بودم. یکی از اوزاع این برخورد، راه‌مورد انکاری است که به نگاه پیشینی که حقیقت نام را نزدیک نفر می‌داند، تعلق دارد.
این نگاه محدودیت‌های شری را در نظر نمی‌گیرد. مسائله این مسئله در جامعه ما جاری و ساری است. دوست چنین دیدگاهی ظهور و بروز ندهد. باید به اساسی برتر کار را موجه شد. است. دوست که نقدها هم در مورد ادعاهای مطرح شده و بسیار کم هستند. این نقدها در تلاش درس یا استثنای‌های علمی اتفاق می‌افتد.
در دنیای علم ابتدا یک فرضیه مطرح می‌شود که در ادامه با نقدهای منبانی و اصولی که با منتقد و روش علمی همراه است، فرضیه مورد نظر تقویت و در ادامه تبدیل به نظریه می‌شود.
این نقدها در دانشگاه‌ها و مراکز علمی داریم. آنچه در رسانه‌ها و صحنه اجتماع اتفاق می‌افتد، به‌صورت عمده، نقدهای تخریبی و غیر علمی را شامل می‌شود.

از سر دلتنگی...

افسردگی بعد از بازی

کاوه گوهرین
نویسنده

...بازی تیم والیبالی ایران در برابر تیم آلمان، سخت افسرده و دلنشته بودم. گفتند چرا که در برابر ستاره جوانان ستخنوش تیم ما توان آن را داشتند که در مسابقه اول پس تیم مرچه ۳-۰ پیروز برآیند و در شمار ۴ تیم برتر والیبالی جهان قرار بگیرند. با همه اینها بداندشت حاضرین روزگاری نوشته می‌شود که هنوز یکی از دیدم که بازی جوانان دایر و خوشترک و شگفت‌انگیز ما به خوبی دیده و فلک را ساقط می‌کنند و طریحی در زمانه بازی این همه حتی اگر تیم ما از این مرحله هم بالا رود، این اولین بار است که در کدها کارستان و اولین بار است که در تاریخ تاریخ جهانی این ورزش ثبت کرده‌اند. در همان حال و هوای دلتنگی، مولوی خودم را جای یکی از بازیکنان تیم گذاشتم و پیش خود دلنشیندم که اگر به برآیندی آنچه به این تیم و عوامل آن روز می‌شود در برابر من نیز مشاقت داشت بواقع تخریب را به همراه دارد و سلب دانش و گسترش مرزهای این هر دو منافع دارد.
دلیل دلتنگی و ملال من آنکه شایده موردی را بر دیگر کشورها می‌فهمم؛ برای آن که خواننده هم از هر روز دلتنگی دوستدار هنگام حضور در میدان بازی همسر، خواهر، برادر، پدر و مادر و دوستی شادمانه‌ی دختر نمایان این باشند. در ایران این ماجم دلیل ویران، منطقی از حضور بیش از ۲۰۰ هزار مرد جمعیت کشور، یعنی میلیون‌ها مرد ورزشکار، جلویی می‌شود. چراغی که در ورزشگاه‌های بزرگ‌گرفته ورزشی‌های سالی از جمله والیبالی، بسکتبال، فوتبال و ... در سال‌های اخیر حیطه‌های ورزشی هستند و سخن دختران و بانوان ما در سال‌های اخیر کیفیت و حضور دختران و بانوان ما در این رشته‌ها بسیار کم شده و بسیار کم هستند. این اتفاق می‌افتد.
پناهانه دست‌معدیان گفتی حقوق شهروندی بانوان که گرفته می‌شود. هر دو روز نشانگان ما شاملی و شوق بیشتری میانین ورزشی را به تحسین از عملکرد خود می‌دانند.
در همین بازی جهانی لیگستان همسران دختران ایرانیان مقیم خارج از کشور، برای ترویج والیبالیست‌های ما در سال‌ها برگزاری مسابقات حاضر می‌شوند و تلويزيون ايران هم نگاه‌های

خودتانید

فرصت مطالعاتی بر امتوجه اشتباهم کرد

سعید میرمیر
جامعه‌شناس

این نکته تقریباً به‌صورت تجربه ثابتی در آمده است که در زندگی‌های روزمره ما، طری این سفر در تغییر زمان رفتار و عملکرد آن فرد نمود دارد. به‌عنوان مثال، به‌عنوان کسی که می‌شود و در هر مرحله‌ای از زندگی در آراء و نظراتمان هم تغییراتی ایجاد می‌شود. دید شخصی و دید اجتماعی در راه مسائل اجتماعی کشور، تأکید فراوانی بر تغییر ساختارهای مختلف داشتیم. هدف از اصلاح این تغییرات، بیشتر در حوزه مسائل اجتماعی و اقتصادی نمود داشت و مسائل بنیادین را مدنظر قرار داده‌ام.
در سال ۱۳۷۹ برای استفاده از فرصت مطالعاتی به انگلستان سفر کردم. طری این سفر با دیدگاه‌های جدیدی روبرو و شدم. اشتباهی یا ساختار مورد نظر در همان فرصت مطالعاتی، باعث شد نسبت به ساختاری که پیش از آن معتقد بودم، بازنگری کنم. در مطالعات اجتماعی متوجه شدم، دید جدیدی که با آن مواجه شده بودم، در مقایسه با دید قبلی (که که در مورد ایجاد تغییرات بنیادین در مقوله‌های اقتصادی و اجتماعی بود) مطلوبتر است. این یادگیری‌های جدید که به‌تبع مطالعات اخیر ایجاد شد، باعث شد رویکرد تازه‌ای در مباحث اجتماعی داشته باشم.
افسوس که با ساری کار آمدن دولت نهم و هم مشکلات مدیریتی ایجاد شد که شغف در حوزه‌های اجتماعی و اقتصادی را با خود به همراه داشت. امروز در دولت جدید توانیم تغییرات لازم را مدنظر قرار دهیم و به سمت اهدافمان حرکت کنیم.
ذکر این نکته ضروری است، زمانی تصور بر این بود که گسترش دانش بشری، مشخص شد که این گسترش حقیقت نبرد خاندین محفوظ است. در میان انسان‌ها همین حقیقت، در فسردهی خاص خلاصه نمی‌شود. حقیقت از جنبه‌ها و زوایای مختلف قابل تعریف و توصیف است.
به عبارت دیگر، آریاب دانش و معرفت می‌توانند به وجهی از حیثه این حقیقت راه پیدا کنند.

شاتر

چشم انتظار



عکس: سید سعید میرمیر